

توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال*

مهرداد نغزگوی کهن

مقدمه

تالشی جزو زبانهای سواحل خزر است که خود شعبه‌ای از دسته غربی زبانهای ایرانی هستند. تالشی از طرفی با لهجه‌های دیگر سواحل خزر و از طرف دیگر با لهجه‌های مرکزی ایران و لهجه‌های قدیم آذربایجان (پهلوی) که امروز تاتی نامیده می‌شود ارتباط دارد. به تالشی در تالش جمهوری آذربایجان و در شهرستان تالش ایران گفتگو می‌شود.

شهرستان تالش از غرب به خلخال و اردبیل، از شرق به دریای خزر، از شمال به آستارا و از جنوب به صومعه‌سرا محدود می‌شود و مساحت آن ۳۶۷۴ کیلومترمربع است. کوههای تالش از غرب رودبار گیلان تا لنکران همراه با جلگه خزری آن محل سکونت فعلی تالش‌هاست.

تاکنون تحقیقات جدی انگشت‌شماری در مورد تالشی صورت گرفته است. از این میان می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد محرم رضایتی اشاره کرد. این رساله در هفته‌نامه کادح ویژه تالش نقد و بررسی شده است (کادح ۱۳۷۲). کتاب مهم دیگری که در زمینه تالشی نوشته شده است فرهنگ تاتی و تالشی تألیف علی عبدلی است «این کتاب از این نظر که در بردارنده واژه‌نامه‌ای از دو لهجه تاتی و تالشی است که با هم ارتباط نزدیک دارند بسیار مفید است. در پایان این کتاب نکات دستوری تاتی و تالشی به‌طور اجمالی بررسی شده است. همچنین با دقت در مواضع مختلف کتاب رابطه این لهجه‌ها با زبانهای باستانی ایران و ویژگیهای آوایی و صرفی و نحوی آنها برای آشنایان به زبانهای ایرانی تاحدی روشن می‌شود» (صادقی ۱۳۶۳).

* در اینجا لازم می‌دانم از جناب آقای بهروز یعقوبی که در گردآوری داده‌های این مقاله مرا یاری کردند تشکر نمایم.

مواد خام نوشته حاضر از چند گویشور دهستان طاسکوه که در حدود ۱۰ کیلومتری ماسال قرار دارد جمع‌آوری شده است. در این مقاله مطالب زیر بررسی شده است: ۱- ساختمان فعل ۲- فرمول ساختمانی گروه‌های مختلف فعلی ۳- ساختمان مجهول ۴- عامل سببی ۵- مصدر ۶- فهرست مصدرها و مشتقات آنها.

۱- ساختمان فعل

فعل تالشی دارای دو زمان است: حال و گذشته. برای آینده در این گویش ساختمانی جداگانه وجود ندارد. عناصری که در ساختمان زمانهای افعال به‌کار می‌روند عبارتند از: شناسه‌های فعلی، ستاک (یا ماده فعل)، صفت مفعولی، پیشوندهای فعلی و فعل معین be.

۱-۱ شناسه‌های فعلی

شناسه‌های فعلی آن دسته از عناصری هستند که به‌صورت پسوند در ساختمان گروه فعلی ظاهر می‌شوند و نوع فعل را از نظر «شخص» و «شمار» مشخص می‌کنند. در تالشی هر زمان دارای شناسه‌های فعلی مختص به‌خود است و تنها شناسه‌های حال ساده و حال التزامی مثل هم هستند:

شخص / شمار	حال ساده	حال کامل	حال التزامی	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته دور	گذشته التزامی
۱. مفرد	-əm	-ma	-əm	-əma	-im	-mâ	-m
۲. مفرد	-i	-ra	-i	-əra	-ir	-râ	-r
۳. مفرد	-ə	-ša	-ə	-əša	-i	-šâ	-š
۱. جمع	-am	-muna	-am	-əmunâ	-imun	-munâ	-mun
۲. جمع	-a	-runa	-a	-əruna	-irun	-runâ	-run
۳. جمع	-ən	-šuna	-ən	-əšuna	-in	-šunâ	-šun

۱-۲ ستاک یا ماده فعل

همه افعال در تالشی با یکی از دو ستاک «حال» یا «گذشته» ساخته می‌شوند. ستاک حال در ساخت زمانهای زیر به‌کار می‌رود:

۱. حال ساده ۲. حال التزامی ۳. گذشته استمراری ۴. فعل امر

ستاک گذشته در ساخت زمانهای زیر به‌کار می‌رود:

۱. گذشته ساده ۲. حال کامل ۳. گذشته دور ۴. گذشته التزامی

۱-۲-۱ فرمول ساختمانی ستاک گذشته

ستاک گذشته → عنصر زمانی + ستاک حال

به‌طور کلی عنصر زمانی (علامت ستاک گذشته) در تالشی به شش صورت نمود می‌یابد:

الف. [t]:

ستاک گذشته	ستاک حال
talaft-	talaf- →
kəšt-	kəš →
vât-	vâ- →

ب. [št]، اگر ستاک حال به همخوان z ختم شود در اکثر موارد با اضافه شدن t همخوان z به š تبدیل می‌شود:

ستاک گذشته	ستاک حال
vašt-	vaz- →
išt-	iz- →
gašt-	gaz- →

ج. [st]:

ستاک گذشته	ستاک حال
xâst-	xâ- →
zist-	zi- →
sist-	si- →

د. [d]:

ستاک حال		ستاک گذشته
tâvən	→	tâvənd
ċârən	→	ċârənd
ċin	→	ċind

ه. [u]، اگر ستاک حال به واکه \hat{a} ختم شود در بیشتر موارد با تبدیل این واکه به u، ستاک گذشته به دست می‌آید:

ستاک حال		ستاک گذشته
ĵâ-	→	ĵu-
sâ-	→	su-
nəšâ-	→	nəšu-

و. [ϕ]، در مواردی نیز ستاک گذشته درست مثل ستاک حال است:

ستاک حال		ستاک گذشته
vâr-	→	vâr-
pič-	→	pič-
xər-	→	xər-

۱- ۳- صفت مفعولی

صفت مفعولی در ساخت زمان حال کامل و گذشته دور و گذشته التزامی و ساخت مجهول به کار می‌رود. طرز ساخت صفت مفعولی به صورت زیر است:

صفت مفعولی → +a ستاک گذشته

مثال:

مصدر	ستاک گذشته	صفت مفعولی		
barde	bard-	barda	برده	بردن
šâte	šât-	šâta	ساخته	ساختن
xæte	xæt-	xæta	خواهیده	خواهیدن

۱-۴ پیشوندهای فعلی

در ساخت فعل گویش تالشی دو نوع پیشوند وجود دارد: یکی پیشوندهای صرفی و دیگر پیشوندهای قاموسی.

۱-۴-۱ پیشوندهای صرفی

این پیشوندها تغییری در معنی نمی‌دهند و برای ساختن وجه التزامی و وجه امری و نفی به‌کار می‌روند:

الف. پیشوند bæ - برای ساخت حال التزامی و فعل امر به‌کار می‌رود:

bəmasəm بشنوم

bəmas بشنو

ب. تکواژ نفی - تکواژ نفی فعل در تالشی به سه صورت -ni-، -me- و -ma- به‌کار می‌رود:

۱. -ne- در حال ساده، گذشته ساده و گذشته استمراری به‌کار می‌رود. مثال:

نمی‌دیدم nevinim؛ ندیدم nevindəma؛ نمی‌بینم nevinəm

۲. -ma- در حال التزامی، گذشته التزامی و نهی به‌کار می‌رود. مثال:

نبین mavin؛ ندیده باشم vindam mabu؛ نبینم mavinəm

۳. -ni- در حال کامل و گذشته دور به‌کار می‌رود:

ندیده بودم vinda nima؛ ندیده‌ام vinda nima

یادآوری: پیشوند bæ و تکواژ نفی نمی‌توانند باهم بر سر یک فعل بیایند.

۱-۴-۲ پیشوندهای قاموسی

پیشوندهای قاموسی پیشوندهایی هستند که بر سر اکثر افعال می‌آیند و برخلاف پیشوندهای

صرفی معنی فعل را تغییر می‌دهند. محرم رضایتی شش پیشوند قاموسی برای تالشی برشمرده است (کادح ۱۳۷۲)، این پیشوندها عبارتند از:

/bar/ ، /jī/ ، /vi/ ، /pe/ ، /da/ ، /â/

مثال: کردن karde

باز کردن âkarde ؛ پوشیدن dakarde ؛ پاشیدن pekarde

ریختن vikarde ؛ پهن کردن jikarde ؛ بیرون کردن barkarde

یادآوری می‌شود که bæ بر سر افعالی که دارای پیشوندهای قاموسی هستند نمی‌آید. مثال:
بگشا âka ؛ گشودن âkarde

۱- ۵ فعل معین be

این فعل در ساخت مجهول و همچنین زمان گذشته التزامی افعال تالشی به‌کار می‌رود. فعل معین be در میان افعال تالشی وضع خاصی دارد. حال ساده فعل «be» دارای صورتهای زیر است:
الف

مفرد	جمع
۱. ام -ima	۱. ایم -imuna
۲. ای -ira	۲. آید -iruna
۳. است -a	۳. اند -ina

صورتهای بالا هم از لحاظ معنایی و هم از لحاظ صوری فاقد استقلالند و نمی‌توانند به‌تنهایی به‌کار روند و به‌عنوان «رابطه» عمل می‌کنند:

خوبیم xubimuna ؛ خوبم xubima

ب

۱. هستیم estima	۱. هستیم estimuna
۲. هستی estira	۲. هستید estiruna
۳. هست esta	۳. هستند estina

این صورتها دارای استقلال هستند و به معنی «وجود داشتن» به کار می‌روند:
خدا هست (Xədə esta)

ج. صورت سوم فعل «be» به قرار زیر است:

bayam	۱. می باشم / می شوم	bum	۱. می باشم / می شوم
baya	۲. می باشید / می شوید	bi	۲. می باشی / می شوی
bun	۳. می باشند / می شوند	bu	۳. می باشد / می شود

این دسته افعال از لحاظ صورت مستقلند ولی مانند دسته الف به تنهایی به کار نمی‌روند. این افعال در ساخت حال ساده مجهول مورد استفاده قرار می‌گیرند. باید گفت که فعل معین be نقشهای «شدن» و «بودن» فارسی را در تالشی ایفا می‌کند. زمانهای مختلف دیگر این فعل در جدول زیر به دست داده شده است:

شخص / شمار	حال کامل	حال التزامی	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته دور	گذشته التزامی
۱. مفرد	bayma بوده‌ام / شده‌ام	bubum باشم / شوم	bima بودم / شدم	bim می بودم / می شدم	baymâ شده بودم	bəbim بوده باشم
۲. مفرد	bayra بوده‌ای / شده‌ای	bəbi باشی / شوی	bir بودی / شدی	bir می بودی / می شدی	bayrâ شده بودی	bəbir بوده باشی
۳. مفرد	ba بوده است / شده است	bubu باشد / شود	ba بود / شد	bi می بود / می شد	bâ شده بود	bubu بوده باشد
۱. جمع	baymuna بوده‌ایم / شده‌ایم	bəbam باشیم / شویم	bimuna بودیم / شدیم	bimun می بودیم / می شدیم	baymunâ شده بودیم	bəbayam بوده باشیم
۲. جمع	bayruna بوده‌اید / شده‌اید	bəba باشید / شوید	biruna بودید / شدید	birun می بودید / می شدید	bayrunâ شده بودید	bəbirun بوده باشید
۳. جمع	bayna بوده‌اند / شده‌اند	bubun باشند / شوند	bina بودند / شدند	bin می بودند / می شدند	baynâ شده بودند	bəbin بوده باشند

توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال

صیغه سوم شخص مفرد گذشته التزامی فعل *be*، یعنی *bubu* در ساخت گذشته التزامی افعال دیگر به کار می‌رود. امر فعل معین *be* به صورت *bəb* و نهی آن *mab* است.

۲- فرمول ساختمانی گروه‌های مختلف فعلی

در این قسمت فرمول ساختمانی زمانهای متداول تالشی را به دست می‌دهیم.

۲-۱ فرمول ساختمانی حال ساده

زمان حال ساده — شناسه‌های فعلی حال ساده + ستاک حال

مثال: دیدن («*vinde*»)

۱. می‌بینم <i>vinəm</i>	۱. می‌بینم <i>vinam</i>
۲. می‌بینی <i>vini</i>	۲. می‌بینید <i>vina</i>
۳. می‌بیند <i>vinə</i>	۳. می‌بینند <i>vinən</i>

نفی در فعل حال ساده با اضافه شدن پیشوند *ne-* به سر فعل مثبت ساخته می‌شود:

نمی‌بینم *nevinəm*

۲-۲ فرمول ساختمانی حال کامل

زمان حال کامل — شناسه‌های فعلی حال کامل + صفت مفعولی

مثال:

۱. دیده‌ام <i>vindama</i>	۱. دیده‌ایم <i>vindamuna</i>
۲. دیده‌ای <i>vindara</i>	۲. دیده‌اید <i>vindaruna</i>
۳. دیده است <i>vindaša</i>	۳. دیده‌اند <i>vindašuna</i>

نفی در فعل حال کامل با اضافه کردن «*ni-*» به دنبال صفت مفعولی و قبل از شناسه‌های

فعلی ساخته می‌شود:

ندیده‌ام *vinda nima*

۲-۳ فرمول ساختمانی حال التزامی

زمان حال التزامی — شناسه‌های فعلی حال التزامی + ستاک حال *bə+*

مثال:

bivinam	۱. بینیم	bivinəm	۱. بینیم
bivina	۲. بینید	bivini	۲. بینی
bivinən	۳. بینند	bivinə	۳. بیند

در مورد بالا واکه پیشوند فعلی bə در مجاورت واکه /i/ هجای مجاور تبدیل به /i/ شده است، یعنی فرایند هماهنگی واکه‌ای رخ داده است:

$$\emptyset \rightarrow i / \#C \text{ — } C \begin{bmatrix} + \text{افراشته} \\ - \text{پسین} \\ - \text{گرد} \end{bmatrix}$$

نفی در فعل حال التزامی با جذب «(bə-)» و اضافه کردن پیشوند ma- بر سر فعل مثبت ساخته می‌شود. مثال: بینم mavinəm

۲-۴ فرمول ساختمانی گذشته ساده

زمان گذشته ساده → شناسه‌های فعلی گذشته ساده + ستاک گذشته

مثال:

vindəmunə	۱. دیدیم	vindəma	۱. دیدم
vindərunə	۲. دیدید	vindəra	۲. دیدی
vindəšunə	۳. دیدند	vindəša	۳. دید

نفی در گذشته ساده با اضافه شدن پیشوند ne- بر سر فعل مثبت ساخته می‌شود:

ندیدم nevindəma

۲-۵ فرمول ساختمانی گذشته استمراری

زمان گذشته استمراری → شناسه‌های فعلی گذشته استمراری + ستاک حال

مثال:

۱. می دیدیم vinimun	۱. می دیدم vinim
۲. می دیدید vinirun	۲. می دیدی vinir
۳. می دیدند vinin	۳. می دید vini

نفی در گذشته استمراری با اضافه شدن پیشوند نفی -ne قبل از فعل مثبت به دست می آید:
نمی دیدم nevinim

۲- ۶ فرمول ساختمانی گذشته دور

گذشته دور → شناسه های فعلی گذشته دور + صفت مفعولی

مثال:

۱. دیده بودیم vindamunâ	۱. دیده بودم vindamâ
۲. دیده بودید vindarunâ	۲. دیده بودی vindarâ
۳. دیده بودند vindašunâ	۳. دیده بود vindašâ

نفی در گذشته دور با اضافه شدن «-ni» قبل از شناسه های فعلی ساخته می شود:
ندیده بودم vinda nimâ

۲- ۷ فرمول ساختمانی گذشته التزامی

زمان گذشته التزامی → +bubu شناسه های فعلی گذشته التزامی + صفت مفعولی
صورت bubu صیغه سوم شخص مفرد گذشته التزامی فعل معین «be» است.

مثال:

۱. دیده باشیم vindamun bubu	۱. دیده باشم vindam bubu
۲. دیده باشید vindarun bubu	۲. دیده باشی vindar bubu
۳. دیده باشند vindašun bubu	۳. دیده باشد vindaš bubu

نفی در ماضی التزامی با حذف پیشوند (bə که در اینجا به علت فرایند هماهنگی واکه ای به صورت bu درآمده است) از bubu و اضافه کردن پیشوند نفی -ma به جای آن ساخته می شود:

ندیده باشم vindam mabu

۲- ۸ فرمول ساختمانی فعل امر

فعل امر در گویش تالشی دارای دو صیغه است، دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع. امر با اضافه کردن پیشوند تصریفی -bə قبل از ستاک حال ساخته می‌شود و در مورد دوم شخص جمع شناسه به دنبال ستاک حال می‌آید:

فعل امر دوم شخص مفرد → ستاک حال + bə

فعل امر دوم شخص جمع → +a ستاک حال + bə

مثال:

bivina ببینید ؛ bivin بین

bəmasa بشنوید ؛ bəmas بشنو

برای ساختن امر منفی (نهی)، پیشوند نفی -ma به جای -bə بر سر ستاک حال می‌آید:

mavina نبینید ؛ mavin نبین

۳- ساختمان مجهول

۳- ۱ فرمول ساختمانی حال ساده مجهول

زمان حال ساده مجهول → صیغه‌های حال ساده فعل be + صفت مفعولی
صیغه‌های حال ساده «be» در قسمت ۱-۵-ج به دست داده شده است، مثال:

vinda bayam	۱. دیده می‌شویم	vinda bum	۱. دیده می‌شوم
vinda baya	۲. دیده می‌شوید	vinda bi	۲. دیده می‌شوی
vinda bun	۳. دیده می‌شوند	vinda bu	۳. دیده می‌شود

۳- ۲ فرمول ساختمانی حال کامل مجهول

زمان حال کامل مجهول → صیغه‌های حال کامل فعل be + صفت مفعولی
(یادآوری: کلیه صیغه‌های فعل be در زمانهای مختلف در ۱-۵ به دست داده شده است) مثال:

vinda baymuna	۱. دیده شده‌ایم	vinda bayma	۱. دیده شده‌ام
vinda bayruna	۲. دیده شده‌اید	vinda bayra	۲. دیده شده‌ای
vinda bayna	۳. دیده شده‌اند	vinda ba	۳. دیده شده‌است

۳-۳ فرمول ساختمانی حال التزامی مجهول

زمان حال التزامی مجهول → حال التزامی فعل معین + be + صفت مفعولی

مثال:

vinda bəbam	۱. دیده شویم	vinda bubum	۱. دیده شوم
vinda bəba	۲. دیده شوید	vinda bəbi	۲. دیده شوی
vinda bubun	۳. دیده شوند	vinda bubu	۳. دیده شود

۳-۴ فرمول ساختمانی گذشته ساده مجهول

زمان گذشته ساده مجهول → گذشته ساده فعل معین + be + صفت مفعولی

مثال:

vinda bimuna	۱. دیده شدیم	vinda bima	۱. دیده شدم
vinda biruna	۲. دیده شدید	vinda bira	۲. دیده شدی
vinda bina	۳. دیده شدند	vinda ba	۳. دیده شد

۳-۵ فرمول ساختمانی گذشته استمراری مجهول

زمان گذشته استمراری مجهول → گذشته استمراری فعل معین «be» + صفت مفعولی

مثال:

vinda bimun	۱. دیده می‌شدیم	vinda bim	۱. دیده می‌شدم
vinda birun	۲. دیده می‌شدید	vinda bir	۲. دیده می‌شدی
vinda bin	۳. دیده می‌شدند	vinda bi	۳. دیده می‌شد

۳-۶ فرمول ساختمانی گذشته دور مجهول

زمان گذشته دور مجهول → گذشته دور فعل معین + be + صفت مفعولی

مثال:

vinda baymunâ	۱. دیده شده بودیم	vinda baymâ	۱. دیده شده بودم
vinda bayrunâ	۲. دیده شده بودید	vinda bayrâ	۲. دیده شده بودی
vinda baynâ	۳. دیده شده بودند	vinda bâ	۳. دیده شده بود

۳- ۷ فرمول ساختمانی گذشته التزامی مجهول

گذشته التزامی مجهول → حال التزامی فعل معین «be» + ba + صفت مفعولی در فرمول بالا ba صفت مفعولی فعل معین «be» است. مثال:

vinda ba bəbam	۱. دیده شده باشیم	vinda ba bubum	۱. دیده شده باشم
vinda ba bəba	۲. دیده شده باشید	vinda ba bəbi	۲. دیده شده باشی
vinda ba bubun	۳. دیده شده باشند	vinda ba bubu	۳. دیده شده باشد

۴ - عامل سببی

عامل سببی در تالشی یکی از دو عنصر âvənde -یا -ənde است که با اضافه شدن به ستاک حال افعال لازم، فعل متعدی را می‌سازد. مثال:

مصدر فعل لازم	مصدر فعل متعدی	ستاک حال	بیدار کردن
ište	izâvənde	iz-	بیدار کردن
â rase	â rasâ vənde	â ras-	رساندن
â garde	âgardənde	â gard-	برگرداندن
tarse	tarsənde	tars-	ترساندن

۵ - مصدر

۵- ۱ فرمول ساختمانی مصدر

مصدر → پسوند مصدری + ستاک گذشته

یادآوری: چگونگی ساخت ستاک گذشته ذیل شماره ۱-۲-۱ به دست داده شده است.

۵-۱-۱ پسوند مصدری

آخرین جزء ساختاری مصدر پسوند -e است که در تمام مصدرها دیده می‌شود. این تکواژ به ستاک گذشته اضافه می‌شود و مصدر را می‌سازد:

ستاک گذشته	مصدر
vikard-	→ vikarde ریختن
jang-	→ jange جنگیدن
mas-	→ mase شنیدن

اگر ستاک گذشته به واکه /u/ ختم شود هنگام اضافه شدن پسوند مصدری همخوان میانجی -y- ظاهر می‌شود (صادقی، ۱۳۶۵).

ستاک گذشته	مصدر
su - + - e	→ suye ساییدن
ku - + - e	→ kuye کوبیدن

۵-۲ مصدر مرکب

مصدر مرکب معمولاً از یک گروه اسمی و یکی از مصدرهای *karde*, *hašte*, *mande*, *be*, *dalake*, *harde*, *varde*, *barde*, *gete*, *žande* تشکیل می‌شود. در بین این مصدرها بسامد *karde* از همه بیشتر است:

luwa karde	حرف زدن	taku harde	تکان خوردن
pasa hašte	ترک کردن	safr varde	عطسه کردن
pâ mände	ایستادن	žen barde	زن گرفتن
pusta be	پوسیدن	gâz gete	گاز گرفتن
təfâq dalake	اتفاق افتادن	čurt žande	چرت زدن

ملاک ساختاری برای شناسایی مصدرهای مرکب تکواژ نفی در «نهی» بوده است. در نهی تکواژ نفی بر سر مصدرهای مذکور یعنی بعد از گروه اسمی می‌آید:

nâra karde ناله کردن → nâra makar ناله نکن
 taku harde تکان خوردن → taku mahar تکان نخور

۶ - فهرست مصدرها و مشتقات آنها

در این قسمت فهرست مصدرهای رایج به همراه اجزای مختلف از قبیل ستاک گذشته، ستاک حال و امر و نهی برای هر مصدر به تفکیک به دست داده شده است.

مصدر فارسی	مصدر گویش	امر	نهی	ستاک حال	ستاک گذشته
آمدن	ume	beri	meri	â-	um-
آوردن	vuwarde	buwar	mavubar	vuwar-	vuward-
آویزان شدن	viraziste	virazir	mavirazir	viraz-	virazist-
آویزان کردن	virašte	viraz	maviraz	viraz-	virašt-
افتادن	balake	balak	mabalak	balak-	balak-
انتخاب کردن	peçin karde	peçin bəka	peçin maka	peçinkar-	peçin kard-
انداختن	barande	baran	mabaran	baran-	barand-
ایستادن	pâ mande	pâ bumun	pâ mamun	pâ mun-	pâ mand-
باختن	baxte	bəbâz	mabâz	bâz-	baxt-
باریدن	vâre	bəvâr	mavâr	vâr-	vâr-
بافتن	vate	bəvaj	mavaj	vaj-	vat-
بخشیدن	pe baxše	pe baxš	mapebaxš	pebaxš-	pebaxš-
بردن	barde	bəbar/bəba	mabar/maba	bar-	bard-
برشته کردن	bərešte	bəbərə	mabərə	bər-	bərešt-
برگشتن	âgarde	âgard	maâgard	âgard-	âgard-
بریدن	davərde	davər	madavər	davər-	davərd-
بستن	davaste	davend	madavend	davend-	davast-
بلعیدن	rubarde	rubar/ruba	marubar	rubar-	rubard-
بلند شدن (از خواب)	ište	bizə	mayzə	iz-	išt
بلند کردن (از روی زمین)	râsâ karde	râsâ ka	râsâ maâka	râsâ kar-	râsâ kard

مصدر فارسی	مصدر گویش	امر	نهی	ستاک حال	ستاک گذشته
بودن	be	bəbə	mabə	b-	b-
بوسیدن	mâč karde	mâč bəkar	mâč makar	mâč kar-	mâč kard-
پاشیدن	peršunde	peršun	maperšun	peršun-	peršund-
پختن	pate	bəpe	mape	pe-	pat-
پرستیدن	parəsiye	bəparəs	maparəs	parəs-	parəs-
پرستیدن	dafarse	dafars	madafars	dafars-	dafars-
پرواز کردن	par âgete	par âge	par ma âge	par âger	par âget-
پریدن	par karde	par bəka	ma par	parkar-	parkard-
پسندیدن	pasandiye	bəpasənd	mapasənd	pasənd-	pasənd-
پوسیدن	pustabe	pustabəbə	pusta mabə	pustab-	pustab-
پوشاندن	dapušâvənde	dapušâvənd	madapušâvənd	dapušâvən-	dapušâvənd-
پوشیدن	dakarde	dakar	ma dakar	dakar-	dakard-
پیچیدن	piče	bəpič	mapič	pič-	pič-
پیدا کردن	talaftə	bətlaf	matlaf	talaf-	talaft-
تأییدن (نخ)	pebəšte	pəbəš	mapəbəš	pebəš-	pebəšt-
تراشیدن	tâše	bətâš	matâš	tâš-	tâš-
ترسیدن	tarse	bətars	matars	tars-	tars-
ترک کردن	pasa hašte	pas barz	pas marz	pasarz-	pas hašt-
ترکیدن	tərake	bətərak	matərak	tərak-	tərak-
توانستن	šâšte	bəšâ	mašâ	šâ-	šât
جنبیدن	taku harde	taku bəhar	taku mahar	taku har-	taku hard-
جنگیدن	jangə	bəjang	majang	jang-	jang-
جوشاندن	tâvənde	bətâvən	matâvən	tâvən-	tâvənd-

مصدر فارسی	مصدر گویش	امر	نهی	ستاک حال	ستاک گذشته
جوشیدن	gəle	bəgəl	magəl	gəl-	gəl-
جویدن	ǰuye	bəǰâ	maǰâ	ǰâ-	ǰu-
چاپیدن	ĉape	bəĉâp	maĉâp	ĉâp-	ĉâp-
چرت زدن	ĉurt žande	ĉurt bažan	ĉurt mažan	ĉurt žan-	ĉurt žand-
چرخاندن	ĉârxənde	bəĉârxən	maĉârxən	ĉârxən-	ĉârxənd-
چریدن	ĉarde	bəĉar	maĉar	ĉar-	ĉard-
چسبیدن	ĉasmiye	bəĉasm	maĉasm	ĉasm-	ĉasmist-
چشیدن	ĉaše	bəĉaš	maĉaš	ĉaš-	ĉaš-
چکیدن	ĉekiye	bəĉek	maĉek	ĉek-	ĉekist-
چیدن	ĉinde	bəĉin	maĉin	ĉin-	ĉind-
حرف زدن	luwa karde	luwa bəka	luwa maka	luwa kar-	luwa kard-
خاراندن	xârənde	bəxârən	maxârən	xârən-	xârənd-
خاموش شدن	damarde	damer	madamer	damer-	damerd-
خاموش کردن	dakešte	dakeš	madakeš	dakeš-	dakešt
خراشیدن	âtâše	âtâš	maâtâš	âtâš-	âtâš
خریدن	xəriye	bexər	maxər	xər-	xər-
خشکاندن	xəšk âkarde	xəšk âka	xəšk ma âka	xəšk âkar-	xəšk âkard-
خزیدن	visneyiste	vesneyir	mavisneyir	visney-	visneyist-
خم شدن	peš be	peš bəbə	peš mabə	peš b-	peš b-
خندیدن	xanda karde	xanda bəka	xanda maka	xanda kar-	xanda kard-
خوابانیدن	xəsâvənde	bəxəsâvən	maxəsâvən	xəsâvən-	xəsâvənd-
خوابیدن	xəte	bəxəs	maxəs	xəs-	xət-
خواستن	xâste	bəxâ	maxâ	xâ-	xâst-

مصدر فارسی	مصدر گویش	امر	نهی	ستاک حال	ستاک گذشته
خواندن	xunde	buxun	maxun	xun-	xund-
خوردن	harde	bahar/ba	mahar/ma	har-	hard-
خونریزی کردن	xun vikarde	xun vikar	xun mavikar	xun vikar-	xun vikard-
خیساندن	histâ karde	histâ ka	histâ maâka	hist kar-	hist kard-
دادن	âduye	âda	maâda	âda-	âd-
داشتن	dâšte	bêdâr	madâr	dâr-	dâr-
دانستن	zunuste	buzun	mazun	zun-	zunust-
دریدن	pezârênde	pezârên	mapezârên	pezârên-	pezârênd-
دزدیدن	dêzdiye	bêdêzd	madêzd	dêzd-	dêzd-
دمیدن	fu dakarde	fu daka	fu madaka	fu dakar-	fu dakard-
دوختن	dešte	bêderz	maderz	derz-	dešt-
دوشیدن	duše	buduš	maduš	duš-	duš-
دویدن	tille	bêtil	matil	til-	til-
دیدن	vinde	bêvin	mavin	vin-	vind-
راندن	runde	burun	marun	run-	rund-
رسیدن	ârase	âras	maâras	âras-	âras-
رفتن	še	bêšê	mašê	š-	š-
رنجیدن	renjîye	bêranj	maranj	renj-	renjist-
ریختن	vikarde	vikar	mavikar	vikar-	vikard-
زائیدن	zande-	bêzir	mazir	zi-	zist-
زدن	žande	bêžan	mažan	žan-	žand-
سائیدن	suye	bêsâ	masâ	sâ-	su-
ساختن	sâte	bêsâz	masâz	sâz-	sât-

مصدر فارسی	مصدر گویش	امر	نهی	ستاک حال	ستاک گذشته
سپردن	isparde	bəspar	maspar	ispar-	ispard-
سوختن	siste	bəsir	masir	si-	sist-
سوزاندن	sute	busun	masun	sun-	sut-
شرط بستن	šart gete	šart biger	šart mager	šart ger-	šart get-
شستن	šušte	bušur	mašur	šur-	šušt-
شکستن	čake	bəčak	mačak	čak-	čak-
شمردن	išmârde	bišmâr	mayšmâr	išmâr-	išmârd-
شناختن	šenâxte	bəšnâs	mašnâs	šenâs-	šenâxt-
شنیدن	mase	bəmas	mamas	mas-	mas-
غلطاندن	gəlerâvənde	bəgəlerâvən	magəlerâvən	gəlerâvən-	gəlerâvənd-
فرستادن	âduye	âda	maâda	âda-	âdu-
فروختن	xərate	bəxraš	maxraš	xəraš-	xərat-
فهماندن	famâvənde	bəfamâvən	mafamâvən	famâvən-	famâvənd-
کار کردن	kâr karde	kâr beka	kâr maka	kâr kar-	kâr kard-
کاشتن	kâre	bəkâr	makâr	kâr-	kâr-
کردن	karde	bəkar/bəka	makar/maka	kar-	kard-
کشتن	kəšte	bəkəš	makəš	kəš-	kəšt-
کشیدن	darunte	darunj	madarunj	darunj-	darunt-
کندن	kande	bəkan	makān	kan-	kand-
کوبیدن	kuye	buku	maku	ku-	ku-
کوچ کردن	kuj karde	kuj bəka	kuj maka	kuj kar-	kuj kard-
گاز گرفتن	gâz gete	gâz bige	gâz mage	gâz ger-	gâz get-
گذاشتن	nuye	bəna	mana	na-	nu-

مصدر فارسی	مصدر گویش	امر	نهی	ستاک حال	ستاک گذشته
گردیدن	garde	bəgard	magard	gard-	gard-
گرفتن	vigete	vige	mavige	viger-	viget-
گریاندن	berāvənde	bəbrāvən	mabrāvən	bərāvən-	bərāvənd
گریختن	davašte	davaz	madavaz	davaz-	davašt-
گریستن	bəraməste	bəbram	mabram	bəram-	bəramst-
گزیدن	gašte	bəgaz	magaz	gaz-	gašt-
گشودن	ākarde	āka	ma āka	ākar-	ākard-
گفتن	vāte	bəvā	mavā	vā-	vāt-
گنبدن	bu dalake	bu dalak	bu madalak	bu dalak-	bu dalak-
گوش دادن	guš karde	guš bəka	guš maka	guš kar-	guš kard-
لرزیدن	larze	bəlarz	malarz	larz-	larz-
لمیدن	lake	bəlak	malak	lak-	lak-
لنگیدن	lange	bəlang	malang	lang-	lang-
ماندن	mande	bumun	mamun	mun-	mand-
مردن	marde	bəmer	mamer	mer-	mard-
مکیدن	lište	bəlis	malis	lis-	lišť-
نالیدن	nāra karde	nāra bəka	nāra maka	nāra kar-	nāra kard-
نشاندن	nəšuye	bənəšā	manəšā	nəšā-	nəšu-
نشستن	nəšte	bənəš	manəš	nəš-	nəšt-
نواختن	žande	bəžan	mažan	žan-	žand-
نوشتن	nivište	bənevis	manevis	nivis-	nivišt-
یافتن	talaft	bətlaf	matlaf	talaf-	talaft-

کتابنامه

- صادقی، علی اشرف، ۱۳۶۳. نقد و معرفی فرهنگ تاتی و تالشی تألیف علی عبدلی، مجله زبانشناسی، شماره ۲، سال ۱۳۶۳-۱۳۶۴.
- صادقی، علی اشرف، ۱۳۶۵. «التقای مصونها و مسئله صامت‌های میانجی»، مجله زبانشناسی، شماره ۲، سال ۱۳۶۳-۲۲.
- هفته‌نامه کادح، ویژه تالش، ۹. اردیبهشت ۱۳۷۲: «یک تحقیق ارزشمند».